

## بررسی نقش و جایگاه امنیت غذایی در امنیت ملی، اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران

دکتر افشین اسماعیلی فر<sup>۱</sup>

### چکیده

مطالعه تاریخ سیاسی معاصر جهان و مناسبت‌های موجود در اقتصاد جهانی گویای این است: خطراتی که امنیت و رفاه آینده جوامع بشری را تهدید می‌کند نه چندان خطراتی چون برخوردهای بین‌المللی و تجاوز بوسیله یک قدرت خارجی، بلکه بی‌ثباتیهای اقتصادی، اکولوژیک و اجتماعی بخصوص پدیده ناامنی غذایی است. ناامنی غذایی از جمله عواملی است که می‌تواند ارزشهای حیاتی و در نتیجه امنیت ملی یک کشور را به مخاطره بیاورد. امنیت غذایی که به مفهوم دسترسی به غذای کافی در حال حاضر و آینده می‌باشد با رشد سریع جمعیت جوامع موجودیت خود را از دست داده است و در بخشهایی از کره زمین اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ویژه‌ای پدید آورده است که نه تنها سرنوشت سیاسی کشورهای نیازمند بوسیله کشورهای صنعتی رقم می‌خورد، بلکه زندگی روزمره آنها به تصمیمات کشورهای سلطه‌گر بستگی یافته است و رهایی از این وابستگی و رسیدن به استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی جز با توسعه پایدار میسر نیست و محور توسعه پایدار، توسعه کشاورزی است. توسعه کشاورزی جز با بهره‌گیری از روشهای علمی و دستاوردهای تکنولوژیک امکانپذیر نیست. با عنایت به این موضوع، در نوشتار حاضر نقش و جایگاه امنیت غذایی در امنیت ملی، اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار و نیز وضعیت امنیت غذایی کشور در دو سطح کلان و خرد و همچنین چالش‌ها و فرصت‌های آن بررسی، تحلیل و راهکارها ارائه شده است.

**واژه‌گان کلیدی:** امنیت غذایی، امنیت ملی، توسعه پایدار، کشاورزی و اقتصاد مقاومتی.

۱- عضو هیئت علمی پژوهشکده امنیت غذایی دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

بانک جهانی امنیت غذایی<sup>۱</sup> را «دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم» تعریف کرد که در کنفرانس رم مورد تاکید قرار گرفت. این تعریف به سه عنصر «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «پایداری در دریافت غذا» استوار است. عنصر «موجود بودن غذا» تنها به میزان مواد غذایی در مرزهای ملی که در گذشته عنصر اصلی امنیت غذایی بود، تکیه ندارد و امروزه شامل تولید (عرضه داخلی) و واردات مواد غذایی می‌باشد. مفهوم «دسترسی به غذا» نیز دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع جهت تامین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است که تابعی از درآمد، اشتغال و قیمت بوده و معنای «پایداری در دریافت غذا»، ثبات و پایداری دریافت ارزش‌های غذایی مورد نیاز جامعه می‌باشد. امنیت غذایی نه تنها مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان می‌باشد بلکه ناظر بر توزیع عادلانه غذا به منظور دستیابی همگان به آن نیز هست.

امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه است. ناامنی غذایی ذخیره سرمایه اجتماعی افراد مشمول آن و نیز معناداری هنجارها و ارزش‌های انسانی و دینی را شدیداً تحلیل خواهد برد. لذا ناامنی غذایی تهدیدی بالفعل یا بالقوه علیه ارزش‌های بنیادین نظام اسلامی خواهد بود. ناامنی غذایی دامنه انتخاب افراد را شدیداً محدود، و در بسیاری موارد حق انتخاب را از آنها می‌گیرد و از اینرو قابلیت‌ها و استانداردهای زندگی‌شان را تنزل خواهد داد. ناامنی غذایی در یک نظام سیاسی - اجتماعی ارزشهای حیاتی و در نتیجه امنیت ملی آنرا تضعیف خواهد کرد (قاسمی، ۱۳۷۳).

<sup>۱</sup>. Food Security

سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد اعلام کرده است که برای تامین غذای مورد نیاز جمعیت ۹ میلیارد نفری جهان در سال ۲۰۵۰، باید تولید کنونی را دو برابر کرد. تحقق این هدف مستلزم رفع موانعی از قبیل محدودیت زمین‌های کشاورزی، کمبود آب، قیمت بالای انرژی، افت سرمایه گذاری در زمینه تحقیقات کشاورزی و افزایش ضایعات غذایی می‌باشد. توسعه پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی است (عبادی، ۱۳۸۰).

جهان در حال حاضر سه چالش غذایی عمده در پیش رو دارد:

**چالش اول** این است که گرسنگی در سطح جهان در حال افزایش است. امروزه اقشار کثیری از مردم گرسنه جهان به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای بقای خود به کشاورزی وابسته‌اند. بر اساس آخرین ارزیابی به عمل آمده از سوی سازمان فائو امروزه بالغ بر ۹۶۹ میلیون نفر در جهان با هزینه‌ای کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و حدود سه چهارم از آنها برای بقا خود به کشاورزی وابسته هستند. در واقع، فقر و تنگدستی شدید این افراد خروج از این وضعیت را برای آنها غیر ممکن ساخته است.

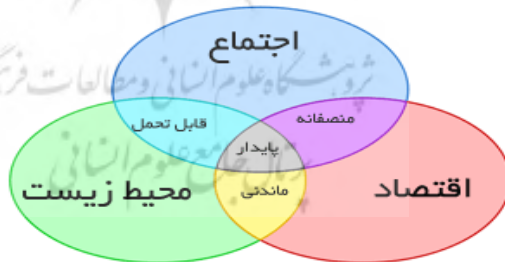
**چالش دوم**، عدم وجود تعادل در رژیم غذایی روزانه افراد است. اگرچه سوء تغذیه ناشی از فقر همچنان یکی از دلایل عمده مرگ در سراسر جهان است، سایر بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی از جمله چاقی، بیماری‌های قلبی، انفارکتوس و دیابت نیز در حال گسترش است.

**چالش سوم** تولید غذا، نابودی محیط زیست و طبیعت می‌باشد. تخریب محیط زیست از دو جنبه با غذا در ارتباط است. این مساله با محدود کردن محصولات غذایی، تولید مواد غذایی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، این مساله حاصل فعالیت‌های نادرست کشاورزی

است. مشکلاتی مانند فرسایش خاک، آلودگی آب، انتشار گازهای گلخانه‌ای و از بین رفتن تنوع زیست محیطی، تهدیدی جدی علیه تولید جهانی غذا به شمار می‌رود (اسماعیلی فر، ۱۳۹۱).

### توسعه پایدار:

توسعه پایدار<sup>۱</sup> در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی<sup>۲</sup> آمد. این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. پایداری می‌تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست محیطی تمرکز ندارد بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است (عبادی، ۱۳۸۰).



1. Sustainable Development

2. IUCN

## امنیت ملی:

امنیت ملی مفهومی غربی است که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. امنیت ملی مفهومی پیچیده و نسبتاً مبهم است. بر این اساس تعریف‌های زیادی از امنیت ملی ارائه شده است: امنیت ملی را به طور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکتسبه و به طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این گونه ارزش‌ها است.

در تعریف مدرن امنیت ملی بجای توجه به تهدیدات خارجی، آسیب‌پذیری‌های داخلی بیش‌تر مورد توجه است و تهدید خارجی دارای اعتبار کمتری است. همچنین بجای مسایل نظامی به شرایط و عوامل اقتصادی (نرخ بیکاری، تورم، میزان تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup>، درآمد سرانه، ذخیره ارزی و میزان جمعیت فعال) پرداخته می‌شود در حالی که در نگرش و گفتمان سنتی تهدید اولاً منشاء خارجی دارد و ثانیاً وجه نظامی آن غالب است. این عوامل در کنار توانایی دولت در عرضه سطح معقولی از رفاه اجتماعی و امنیت غذایی، مقبولیت و مشروعیت دولت را تحت تاثیر قرار می‌دهند (آزر و همکاران، ۱۳۷۹).

## رابطه امنیت غذایی و امنیت ملی:

امنیت غذایی یک سیاست امنیت ملی می‌باشد که کم و کیف آن مقدار عرضه و کیفیت کالای عمومی امنیت ملی را در هر کشور تعیین می‌کند. عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی است. تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیش‌تر موارد از مواد غذایی به عنوان حربه‌ای سیاسی علیه کشورهای جهان سوم بهره گرفته‌اند. تجربه کشورهای کم‌تر توسعه یافته حاکی از این

<sup>۱</sup>. Gross Domestic Product (GDP)

است که وابستگی آن‌ها به واردات مواد غذایی از کشورهای توسعه یافته تر باعث ضربه‌پذیری سیاسی‌شان شده و امنیت ملی‌شان همواره از این محل در معرض تهدید بوده است. این موضوع در شرایط تحریمی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (بوزان، ۱۳۷۸).

نامنی غذایی عزت نفس یک ملت، به عنوان ستون اصلی توسعه و استقلال ملی، را تخریب و با ایجاد اختلال در انباشت سرمایه اجتماعی، کنش‌های جمعی را بسیار پرهزینه می‌کند و در نتیجه امکان وفاق و وحدت ملی را کاهش می‌دهد. بدلیل وجود این رابطه مهم و تنگاتنگ، ارتقاء سطح امنیت غذایی و امنیت ملی در قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، مورد توجه خاص و ویژه قرار گرفته است.

اگرچه امنیت غذایی از زیرساخت‌های مختلف عرضه، توزیع مناسب و تغذیه و بهداشت برخوردار است، اما متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، نرخ اشتغال، درجه فقر، چگونگی توزیع درآمد بین اقشار جامعه، شاخص‌های توسعه روستایی و سطح درآمد جامعه و اتکای عرضه به منابع داخلی هر کشور یا واردات، بر آن اثر دارد.

امنیت غذایی با ابعاد اقتصادی و منابع انسانی امنیت ملی رابطه مستقیم و با ابعاد سیاسی - اجتماعی، دفاعی - نظامی و فرهنگی - علمی و فناوری آن رابطه غیرمستقیم دارد. عرضه باثبات مواد غذایی نقش اساسی در امنیت غذایی جامعه دارد و نهایتاً می‌تواند پایداری و استمرار امنیت غذایی را تضمین نماید (رنجبر، ۱۳۷۸).

با عنایت به این موضوع، در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، نزدیک هشت بند از ۲۴ بند آن بخش کشاورزی را شامل می‌شود و بند هفت آن، بر تأمین امنیت غذایی و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا) صراحت دارد.

### مولفه های موثر در امنیت غذایی:

#### الف) ضریب خود کفایی محصولات غذایی:

یکی از شاخص‌های مهم سنجش امنیت غذایی در سطح کلان ضریب خود کفایی محصولات غذایی یا به عبارتی دیگر درجه تأمین نیازهای غذایی اساسی کشور از منابع تولید داخلی می‌باشد. اگرچه خود کفایی کشور در زمینه محصولات اساسی غذایی لزوماً به منزله امنیت غذایی پایدار (از منظر دسترسی به مواد غذایی) نمی‌باشد، ولی افزایش عرضه مواد غذایی و تقویت ضریب خود کفایی کشور به گسترش دسترسی به مواد غذایی، کاهش قیمت مواد غذایی و در نهایت دستیابی گروه‌های محروم و اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمدتر روستایی به مواد غذایی بسیار موثر است.

از طرف دیگر، افزایش ضریب خود کفایی کشور علاوه بر این که در افزایش وجهه بین‌المللی نظام سیاسی کشور و گسترش اقتدار و مشروعیت آن شدیداً موثر است، به طور تلویحی دلالت بر بهبود بهره‌وری کشاورزی، کارایی سرمایه و نیروی کار در بخش کشاورزی، اثربخشی سیاست‌های دولت، توسعه روستایی، پژوهش و توسعه کشاورزی نیز دارد که مجموعه این عوامل به افزایش رشد اقتصادی کشور، صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی، کاهش وابستگی و در نتیجه تقویت امنیت ملی می‌انجامد (گاسپورسکی، ۱۳۷۹).

ضریب خوداتکایی کشور در مورد اکثر محصولات غذایی از جمله سیب‌زمینی، حبوبات، گوشت قرمز، گوشت مرغ، انواع ماهی و شیر تا سال ۱۳۸۰ در وضعیت بسیار خوبی قرار داشته، از آن سال به بعد سیر نزولی دارد. در این میان ضریب خوداتکایی گندم و برنج نسبت به بقیه مواد غذایی پایین است که بررسی‌ها نشان از امکان افزایش آنها به سطح مطلوب دارند. در خصوص روغنهای خوراکی وابستگی به واردات ۹۵٪ است که از آسیب‌پذیری بسیار بالایی بویژه در شرایط تحریمی برخوردار است. تولید دانه‌های روغنی علاوه بر توسعه کشت آن و ایجاد اشتغال، پس از فرآوری در تولید کنجاله مصرفی در تغذیه دام و طیور و به تبع آن در صنعت دامپروری بسیار تاثیرگذار است. در خصوص شکر نیز بعلاوه مصرف گسترده حدود ۵۰٪ واردات داریم. ضرورت خودکفایی در سه محصول روغن، شکر و آرد از اولویتهای استراتژیک است.

همچنین بررسی‌های سازمان جهانی غذا و کشاورزی (فائو) در رابطه با شاخص امنیت غذایی خانوار در ایران که براساس انرژی دریافتی، شکاف نسبی انرژی دریافتی با مقدار استاندارد آن و ضریب جینی توزیع انرژی بین فقرا (از نظر انرژی دریافتی) محاسبه می‌شود نشان می‌دهد که در مناطق شهری ایران طی سال‌های ۷۸-۱۳۶۴ در مجموع تأمین امنیت غذایی خانوار روند صعودی داشته و مقدار عددی شاخص از ۷۳ درصد در سال ۱۳۶۴ به ۹۶ درصد در سال ۱۳۷۸ ارتقاء یافته است. همچنین تأمین امنیت غذایی برای مناطق روستایی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳ روندی نزولی و از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ روند صعودی داشته است و در ۱۳۷۸ به ۹۵/۷ درصد رسیده است (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

مقایسه وضعیت عرضه سرانه انرژی و مواد غذایی در کشور با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بیانگر وضعیت مطلوب امنیت غذایی در سطح کلان و ملی است، اما مشکل



اصلی امنیت غذایی در کشور توزیع نابرابر غذا و دسترسی نابرابر و در مواردی فقدان دسترسی مردم کشور به غذا می‌باشد.

### ب) دسترسی به غذا:

بدون تردید، یکی از مولفه‌های مهم امنیت غذایی دسترسی مردم به غذای کافی می‌باشد. در این مولفه نگاه‌ها از سطح کلان و ملی به سطح خرد (فرد و خانوار) معطوف می‌شود. در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی تاکید خاصی روی دسترسی به غذا در تمام زمان‌ها و برای تمام افراد شده است. نکته مهم در تعریف امنیت غذایی این است که دسترسی به غذا صرفاً نه به منظور ادامه حیات بلکه به هدف ایجاد بستر مشارکتی فعال و پویا در جامعه می‌باشد. این تلقی از امنیت غذایی بیش‌تر به رهیافت جدید از امنیت غذایی نزدیک است. فرانوگرایان معتقدند که در سنجش امنیت غذایی بایستی به احساسات و ادراک افراد نیز توجه کرد. آن‌ها بر این باورند که امنیت غذایی زمانی حاصل خواهد شد که افراد فقیر و آسیب پذیر، خصوصاً زنان و حاشیه‌نشین‌ها، دسترسی مطمئن به غذای که می‌خواهند، داشته باشند. آن‌ها کشور و مردمی را دارای امنیت غذایی می‌دانند که سیستم غذا و تغذیه‌شان به گونه‌ای عمل کند که ترس و بیم از نبود غذای کافی را از بین ببرد.

بی شک عواملی چون تورم بالا، نرخ بیکاری بالا (بین ۱۴-۱۱ درصد)، درصد جمعیت زیر خط فقر (چیزی در حدود ۲۰ درصد)، توزیع نامتعادل درآمد (ضریب جینی ۰/۴۳)، و بعضاً قیمت بالای برخی مواد غذایی و موارد دیگری از این دست، دسترسی افراد و خانوارها را به مواد غذایی در کشور به مخاطره می‌اندازد (ماکسوییل، ۱۳۷۹).

عوامل فوق در کنار نارسایی‌های موجود در سیستم حمل و نقل کشور، کارایی پایین شبکه توزیع، ضعیف بودن نظام کنترل کیفیت و استانداردهای غذایی در کشور، رعایت

نکردن قوانین برچسب‌زنی توسط بسیاری از عرضه‌کنندگان، و موارد دیگری از این دست، دسترسی مردم به غذا را با خطر مواجه خواهد کرد.

یکی از سیاست‌های ملی امنیت غذایی در کشور برای پوشش دادن نارسایی‌های موجود در دسترسی افراد و خانوارها به غذا، سیاست حمایت یارانه‌ای می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند دولت با یارانه دادن به برخی از کالاهای خوراکی مانند نان، شیر پاستوریزه، برنج، روغن نباتی، قند و شکر در مجموع توانسته است ۸۳/۳ درصد انرژی دریافتی گروه‌های کم‌درآمد شهری و ۸۸ درصد انرژی دریافتی گروه‌های کم‌درآمد روستایی را تأمین کند. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که یارانه‌های پرداختی دولت برای مرتفع کردن شکاف فقر، یعنی هزینه‌ای که لازم است تا خانوارهای زیر خط فقر مطلق را به سطح خط فقر ارتقاء دهد کافی بوده‌اند؛ اما به دلیل هدفگذاری نامساعد از کارایی لازم برخوردار نبوده‌اند. با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها نیز بدلیل افزایش نقدینگی و نرخ تورم همچنان این دغدغه و نگرانی باقی است.

لازم بذکر است یارانه‌های پرداختی دولت پوشش امنیتی خوبی برای افراد نیازمند هستند و نقش مهمی در دسترسی افراد و خانوارها به غذای کافی دارند، و در صورت شناسایی افراد و خانوارهای نیازمند و هدف‌گذاری درست یارانه‌ها می‌توان مشکل ناامنی غذایی حاد را در کشور مرتفع ساخت. همچنین، نظام تأمین اجتماعی بیمه‌ای و غیربیمه‌ای در کشور نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در دسترسی مردم به غذای کافی دارند. سیاست یارانه‌ای با هدف‌گذاری درست در بخش کشاورزی همراه با یک نظام تأمین اجتماعی فراگیر و کارآمد سپرهای امنیتی کارآمدی در برابر مخاطرات دسترسی افراد و خانوارها به غذا مثلاً در صورت مواجهه با نرخ‌های تورم و بیکاری بالا هستند (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

### ج) استفاده از غذا:

ارزیابی تغذیه در سفره مردم کشور نشان می‌دهد که عرضه غذا در کشور از نظر کمی جوابگوی نیازهای مصرف است ولی ترکیب سفره آنان تناسبی با نیازهای سلولی نداشته و اعضای خانوار فقط از طریق پرخوری توانسته‌اند نیازهای بدن خود را به ریزمغذی‌ها (ویتامین‌ها و املاح) تأمین کنند. در چنین شرایطی سفره خانوارها به جای تأمین سلامت می‌تواند تهدیدکننده آن باشد.

مسئله عدم تعادل در الگوی تغذیه، گذشته از نارسایی‌ها و اختلالاتی که در سیستم بدن افراد ایجاد می‌کند و کارایی مشارکت و بشاشیت اجتماعی آن‌ها را تحلیل خواهد برد، تخصیص بهینه منابع کشور را نیز مختل خواهد کرد، و بسیاری موارد با هدر دادن منابع ارزی وابستگی کشور را به کشورهای دیگر و در نتیجه آسیب‌پذیری سیاسی آن را افزایش می‌دهد. از اینرو، اصلاح الگوی تغذیه کشور از طریق گسترش برنامه‌های آموزشی تغذیه و ارتقاء آگاهی‌های تغذیه با تکیه روی زنان اهمیت می‌یابد (شیخ الاسلام، ۱۳۷۵).

### چالش‌ها و فرصت‌های امنیت غذایی در کشور:

وضعیت امنیت غذایی در کشور نشان می‌دهد که تهدیدها و فرصت‌هایی در رابطه با امنیت غذایی کشور در هر سه مولفه موجودی غذا، دسترسی به غذا و استفاده از غذا وجود دارند. شواهد نشان می‌دهند که مقادیر فعلی عرضه سرانه مواد غذایی با سطح مطلوب‌شان فاصله دارند. وزارت جهاد کشاورزی در راستای تعدیل و رفع نارسایی‌های الگوی فعلی عرضه مواد غذایی الگویی برای افق ۱۴۰۰ طراحی کرده است. محاسبات انجام شده برای این الگو نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۰ جهت تأمین نیازهای تغذیه‌ای در حد مطلوب،

بخش کشاورزی (با کمک یا بدون کمک واردات) باید عرضه کننده ۱۶/۵ میلیون تن گندم، ۵/۲ میلیون تن شلتوک، ۲/۱ میلیون تن قند و شکر، ۴/۷ میلیون تن سیب‌زمینی، ۴ میلیون تن انواع گوشت و تخم‌مرغ، و ۱۲ میلیون تن شیر باشد. حال سوال این است که آیا امکان نیل به این سطح از امنیت غذایی حداقل در سطح کلان وجود دارد؟ در واقع آیا چالشها و فرصت‌های امنیت غذایی کشور امکان تحقق یک سطح معقول امنیت غذایی و استمرار آن را خواهند داد (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

شواهد نشان می‌دهند که با توجه به قابلیت‌های تولیدی کشور در صورت تحقق الزاماتی چون توسعه روستایی، توسعه کشاورزی از جمله افزایش عملکرد محصولات در واحد سطح، افزایش بازده آب و خاک، کاهش ضایعات تولیدی، اصلاح الگوی تغذیه کشور امکان نیل به یک امنیت غذایی پایدار در سطح کلان وجود دارد.

### **الف) ضایعات مواد غذایی:**

ضایعات مواد غذایی شامل اتلاف مواد غذایی در مراحل مختلف بین سطوح تولید تا سطح خانوار (شامل ضایعات در مراحل مختلف فرایند، انبارداری، حمل و نقل و ..) می‌شود. در این محاسبات ضایعات قبل از برداشت و نیز ضایعات داخل خانوار منظور نمی‌گردد. وزارت جهاد کشاورزی خاطر نشان کرده است به دلیل ضعف موجود در صنایع تبدیلی و تکمیلی سالانه متجاوز از ۲۰ درصد تولیدات کشاورزی کشور هدر می‌رود. کارشناسان، ارزش اقتصادی ضایعات محصولات کشاورزی را یک تا پنج میلیارد دلار برآورد کرده‌اند که می‌توان با آن غذای ۱۵ میلیون نفر را فراهم کرد (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

## جدول ۱: فرصت‌ها و چالش‌های امنیت غذایی کشور

چالش‌ها	فرصت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>● خشکسالی</li> <li>● خالی شدن روستاها از سکنه</li> <li>● ضایعات گسترده مواد غذایی</li> <li>● کارایی پایین مدیریت بخش کشاورزی</li> <li>● مکانیزاسیون ضعیف بخش کشاورزی</li> <li>● الگوی مصرف نامناسب گندم و نان</li> <li>● کمبود سیلوها و سردخانه‌های نگهداری مواد غذایی</li> <li>● الگوی تغذیه نامناسب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تنوع اقلیمی و اکولوژیکی جهت توسعه فعالیت‌های کشاورزی</li> <li>● وجود ذخایر بالقوه آبریزان در کشور</li> <li>● وجود منابع آبی (دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، آب‌بندهای طبیعی و...) گسترده جهت تولید آبریزان</li> <li>● وجود اراضی مستعد کشاورزی که از ظرفیت کامل آن‌ها استفاده نمی‌شود.</li> <li>● تکمیل پروژه‌های سدسازی جهت مهار آب‌های سطحی</li> <li>● فارغ‌التحصیلان بیکار رشته‌های کشاورزی</li> <li>● سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی</li> <li>● بازدهی نسبتاً بالای سرمایه در بخش کشاورزی</li> <li>● گسترش سیلوها و سردخانه‌های مواد غذایی</li> <li>● توسعه روستایی</li> <li>● توسعه کشاورزی و صنایع تبدیلی وابسته</li> <li>● افزایش عملکرد محصولات اساسی غذایی</li> <li>● ذخیره بالای ماه‌های رویش در کشور</li> <li>● هدف‌گذاری درست یارانه‌ها و اعتبارات</li> </ul>

### ب) توسعه روستایی و امنیت غذایی:

دستیابی به امنیت غذایی پایدار مستلزم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی در کشور است. دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی خاطر نشان کرد که « ۸۰ درصد منابع پایه تولید (آب و خاک) کشور در حیطه فعالیت‌های روستائیان مورد استفاده

قرار می‌گیرد، و به همین دلیل امنیت غذایی و در نهایت امنیت ملی کشور از این محل در گرو بهره‌برداری اصولی و حفظ و احیای منابع پایه تولید است.

امروزه بیکاری یک معضل اساسی کشور است و ضریب امنیت ملی را کاملاً کاهش داده است. هدفگذاری نرخ بیکاری در برنامه سوم توسعه ۱۲/۶ درصد برآورد شده است که مستلزم نیل به رشد اقتصادی بالاتر از ۶ درصد می‌باشد. حال اگر بنا باشد بخشی از این رشد را بخش کشاورزی تأمین کند و اگر بپذیریم که بخش اعظم تولید کشاورزی در چرخه اقتصاد روستایی انجام می‌شود ناگزیر از توسعه روستایی هستیم.

توسعه روستایی باید ارتقای همه جانبه سطح زندگی مادی و معنوی و تأمین نیازهای اساسی روستائیان را هدف قرار دهد و در نهایت به توانمند کردن و بالا بردن ظرفیت آنان جهت برآوردن نیازهای خودشان بینجامد. این توسعه در کل بایستی به افزایش تولید و کاهش فقر روستایی منجر گردد. در این میان اتخاذ سیاست‌هایی چون بهبود سیستم قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از قیمت‌گذاری آن‌ها، گسترش و فراگیر کردن نظام تأمین اجتماعی، هدفگذاری بهتر یارانه‌های پرداختی، اصلاح و هدفگذاری درست وام‌های کشاورزی به روستائیان در تقویت روند توسعه روستایی موثر واقع خواهند شد (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

### ج) توسعه کشاورزی و امنیت غذایی:

طبق برآوردهای مرکز بین‌المللی سیاست‌گذاری غذا، میزان تقاضای جهانی گندم تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۴۰ درصد بیش از تقاضای فعلی افزایش خواهد یافت، و این در حالی است که منابع در دسترس برای تولید گندم با محدودیت‌هایی روبرو است. لذا پیش‌بینی می‌شود که در سال مذکور حدود ۱۰۰ میلیون تن کمبود عرضه گندم در بازار جهانی وجود داشته

باشد و بنابراین قیمت فعلی گندم که حدود ۱۵۰ دلار برای هر تن است به چند برابر افزایش یافته و خرید گندم از بازارهای جهانی با قیمت‌های فعلی امکان‌پذیر نباشد. با توجه به نقش محوری گندم در تأمین امنیت غذایی کشور و تقاضای فزاینده داخلی برای آن، در صورتی که نتوان ضریب خودکفایی کشور در تولید گندم را در آینده به سطح قابل مطمئنی رساند، زمینه آسیب‌پذیری کشور افزایش خواهد یافت. این امر ضرورت توسعه بیش‌تر بخش کشاورزی کشور را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱).

کشاورزی یک پایه اقتدار و قدرت کشور است و تقویت این پایه مستلزم توسعه بیش‌تر آن می‌باشد. این بخش عرضه‌کننده گندم به عنوان استراتژیک‌ترین ماده غذایی و تأمین‌کننده حدود ۴۰ درصد انرژی و پروتئین دریافتی خانوارهای کشور می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

معمولاً کشورها دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مقوله امنیت ملی دارند و اصولاً موضوعات را بسته به اهمیتشان در دستور کار سیاسی، جزء مسائل امنیتی می‌گنجانند. بر این اساس، ماهیت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها نیز در هر کشور، بسته به موضوع و برحسب زمان فرق می‌کنند.

اگرچه خودکفایی کشورمان در زمینه محصولات اساسی غذایی لزوماً به منزله امنیت غذایی پایدار (از منظر دسترسی به مواد غذایی) نیست، ولی افزایش عرضه مواد غذایی و تقویت ضریب خودکفایی از طریق توسعه روستایی و کشاورزی، به گسترش دسترسی به مواد غذایی، کاهش قیمت مواد غذایی و در نهایت دستیابی گروه‌های آسیب‌پذیر و کم‌درآمدتر کشور (امنیت غذایی در سطح فرد و خانوار) می‌انجامد. یعنی امنیت غذایی در

سطح کلان یک اولویت اساسی برای امنیت ملی کشور می‌باشد که از طریق توسعه روستایی و کشاورزی امکان‌پذیر خواهد شد.

در هر حال تأمین امنیت غذایی پایدار در کشور مستلزم داشتن یک استراتژی امنیت غذایی ملی پویا و کارآمد است که ترکیبی از سیاست‌هایی چون:

۱- سیاست حداکثرسازی توان نیازهای غذایی جامعه از منابع داخلی و صدور مازاد محصولات کشاورزی.

۲- تنظیم الگوی تولید متناسب با پهنه‌بندی اقلیمی، کاربری اراضی، توپوگرافی و قابلیت‌های منطقه‌ای سرزمین در راستای کاهش هزینه‌های تولید.

۳- کاهش واردات محصولات اساسی استراتژیک غذایی موردنیاز جامعه از طریق افزایش تولید از منابع داخلی.

۴- ارتقای جایگاه ایران در تولید و تجارت محصولات کشاورزی جهان با بهبود کیفی تولیدات و افزایش قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای منطقه‌ای و جهانی.

۵- بهبود کیفی ترکیب نیروی انسانی شاغل بخش کشاورزی کشور با بکارگیری نیروهای تحصیل کرده و جوان به منظور سرعت بخشیدن به روند انتقال فن‌آوریهای جهانی به ایران.

۶- تولید محصولات صنعتی با مزیت نسبی بالا از طریق تغییر، تحول و گذار از کشاورزی معیشتی به کشاورزی علمی و تجاری.

۷- توسعه کمی و کیفی زیرساخت‌های مربوط به فن‌آوریهای نوین (بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، اطلاعات، ارتباطات، ماهواره‌ها، آموزشهای مجازی و ...).



۸- بازنگاری در ترکیب عوامل تولید کشاورزی در راستای ارتقاء بهره‌وری ملی و دستیابی به الگوی بهینه تولید.

۹- تکمیل زیربناها و تأسیسات فنی آبیاری مکمل طرح‌های سرمایه‌گذاری ملی و توسعه تحقیق و پژوهش و بهبود فرآیند ترویج و آموزش اصول و مبانی علمی بهره‌وری آب. همچنین در کنار این استراتژی اقداماتی چون: تدارک بستر قانونی و نهادی ایجاد اشتغال مولد در کشور، افزایش قدرت خرید افراد و خانوارها، برقراری یک نظام تأمین اجتماعی بیمه‌ای فراگیر، هدف‌گذاری بهتر و کارآمد در نظام تأمین اجتماعی غیربیمه‌ای اعانه‌ای و یارانه‌ای، توسعه روستایی و ارتقای آگاهی و بهبود رفتار تغذیه‌ای خانوارها با تکیه بر زنان را در برمی‌گیرد (Riely et al. 1991).



## منابع

- ۱) آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون (۱۳۷۹). **امنیت ملی در جهان سوم**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲) اسماعیلی فر، افشین (۱۳۹۱). «امنیت غذایی و چالش‌های فراروی آن»، [www.foodpress.ir](http://www.foodpress.ir).
- ۳) بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولتها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴) رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). **ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵) شیخ الاسلام، ربابه (۱۳۷۵). «چرخه شوم سوء تغذیه»، در **مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی**، جلد اول، تهران.
- ۶) قاسمی، حسین (۱۳۷۳). «تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی»، در **مجموعه مقالات ویژه نامه امنیت غذایی**، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۷) عبادی، فرزانه (۱۳۸۰). **اهمیت و کیفیت ایمنی غذا در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه گزارش فائو، تهران: انتشارات موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۸) گاسیورسکی، مارک جی (۱۳۷۹). **مشروعیت رژیم و امنیت ملی**، ادوارد ای، آزر و چونگ این مون (ویراستاران)، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹) گریفین، کیت و تری مک کنلی (۱۳۷۷). **توسعه انسانی: دیدگاه و راهبرد**، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران: انتشارات وداد.
- ۱۰) ماکسویل، سیمون (۱۳۷۹). **امنیت غذایی از دیدگاه فرانواگرای**، ترجمه پرناز صدیقی و بیتا صمیمی، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۱) ماندل، رابرت (۱۳۷۹). **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- ۱۲) نصری، قدیر (۱۳۸۰). **نفث و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۳) نوروزی، فرح آرا و بیتا صمیمی (۱۳۸۱). **ترازنامه غذایی ایران ۱۳۶۸ - ۱۳۸۰: ارزیابی روند تولید و عرضه مواد غذایی در کشور از دیدگاه تغذیه‌ای**، تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

14) Riely, F., et al (1999). **Food Security Indicators and Framework For use in the Monitoring and Evaluation of Food Aid Programmes**, [www.Foodaid.org](http://www.Foodaid.org).

